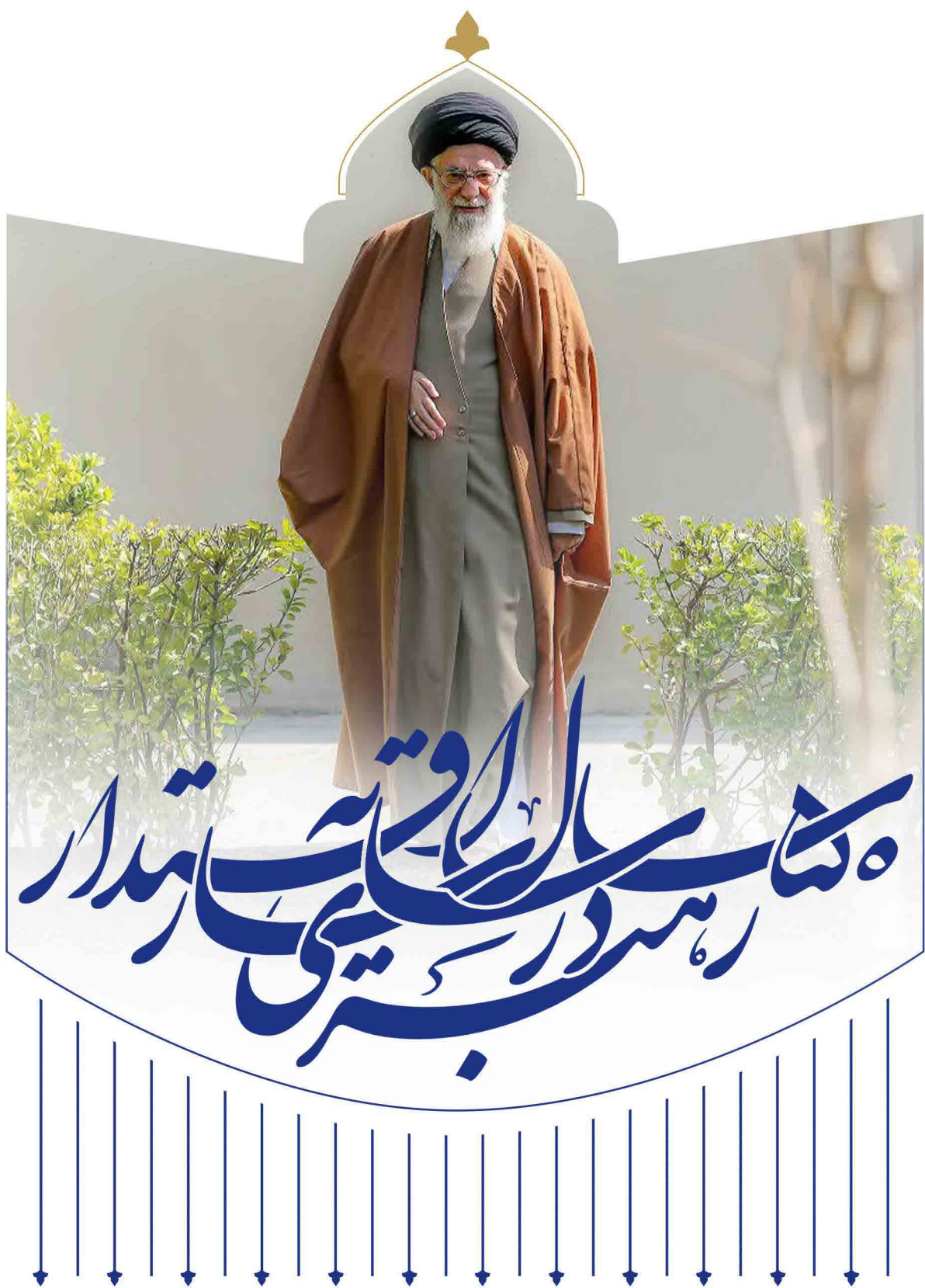


مُنَادِیَانِ اَمّت

هفته نامه منادیان امت | ویژه نامه ۵۰ سال اقتدار در سایه سار رهبری | اردیبهشت ماه ۱۴۰۵





هنگامی که در سبزه‌زار
مکرمین ایستاده‌ام

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران نه تنها یک تحول سیاسی در مرزهای جغرافیایی کشور ما بود، بلکه نقطه آغاز یک خیزش تمدنی در جهان اسلام به شمار می‌آید؛ خیزشی که با پرچم اسلام ناب محمدی (ص) و شعار بازگشت به قرآن و سنت رسول‌الله (ص) شکل گرفت. امام خمینی (ره) با برافراشتن این پرچم، خطی روشن میان دو قرائت از اسلام ترسیم کرد: اسلام ناب در برابر اسلام آمریکایی. او هشدار داد که اسلام تحریف‌شده و سازش‌کار، همان است که قدرت‌های استکباری برای خاموش کردن شعله ایمان و جهاد در ملت‌ها تبلیغ می‌کنند، و در مقابل، اسلام ناب، اسلام آزادی، عدالت و مقاومت است.

پس از امام راحل، این مسیر توسط امام خامنه‌ای شهید (ره) با بینشی تمدنی ادامه یافت. ایشان طی چهار دهه زعامت و رهبری، یکی از روشنگرانه‌ترین پیام‌ها را در تاریخ معاصر جهان اسلام عرضه کردند: پیامی که محور آن، تقابل دو تمدن است: تمدن اسلامی به رهبری جمهوری اسلامی ایران در برابر تمدن غربی به رهبری لیبرال‌دموکراسی آمریکا. این نبرد، نبردی است راهبردی و تاریخی، میان دو سبک زندگی، دو جهان‌بینی، و دو نگاه به انسان و جامعه.

در همین امتداد، آیت الله امام سیدمجتبی خامنه‌ای (حفظه الله) به عنوان پرورش‌یافته مکتب ولایت، این تقابل را از عرصه نظر به میدان عمل کشاند.

در حقیقت، مسیر مشترک سه امام انقلاب — امام خمینی (ره)، امام خامنه‌ای (ره)، و امام سیدمجتبی خامنه‌ای (حفظه الله)، استمرار یک حقیقت واحد است؛ احیای تمدن اسلامی بر پایه اسلام ناب محمدی، و مقابله فراگیر با استکبار جهانی. این خط روشن، امروز به عنوان آرمان بزرگ انقلاب اسلامی، نه تنها در گفتمان و عمل نظام اسلامی، بلکه در عمق جان امت‌های آزاد جهان طنین‌انداز شده است.

نیم قرن اقتدار؛ همراه بارهبری امت اسلامی

مروری جامع و مفصل بر حیات پرفراز و نشیب رهبر فقید انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، از بدو تولد تا سال‌های پس از پیروزی انقلاب:

طلوع خورشید در خمین: تبار و دوران کودکی

روح‌الله موسوی خمینی در شهریورماه سال ۱۲۸۱ هجری شمسی در شهر خمین دیده به جهان گشود. او در خانواده‌ای اهل علم و فضیلت پرورش یافت که ریشه در خاندانی مبارز و ظلم‌ستیز داشت. پدر ایشان، سید مصطفی، از معاصران میرزای شیرازی بود که پس از تحصیل در نجف و اصفهان به خمین بازگشت و ملجأ و پناه مردم در برابر ستم خوانین و مأموران حکومتی گشت.

روح‌الله هنوز پنج ماهه بود که پدرش در راه عدالت‌خواهی و در مسیر خمین به اراک، به دست عمال حکومت و خوانین به شهادت رسید. بدین ترتیب، دوران کودکی ایشان تحت سرپرستی مادر بزرگوارشان، بانو هاجر، و عمه مکرمه‌شان، صاحبه خانم، سپری شد. این دوران که با لمس مستقیم ظلم حاکمان و درد مردم همراه بود، اولین بذره‌های روحیه استکبارستیزی را در وجود ایشان نشاند.

هجرت برای کسب علم: از مکتب خانه تا حوزه‌های علمیه

تحصیلات اولیه ایشان از مکتب‌خانه‌های خمین و نزد آخوند ملا ابوالقاسم آغاز شد. ایشان پس از فراگیری مقدمات و ادبیات عرب در خمین، در سال ۱۳۰۰ شمسی راهی حوزه علمیه اراک شدند که در آن زمان تحت مدیریت آیت‌الله حائری یزدی بود. با هجرت آیت‌الله حائری به قم برای تأسیس حوزه علمیه، امام نیز راهی این شهر شد تا در سطوح عالی به تلمذ بپردازد.

امام خمینی در قم تنها به فقه و اصول بسنده نکرد، بلکه با ولع بسیار به یادگیری فلسفه، ریاضیات، هیئت و به‌ویژه عرفان نزد اساتید بزرگی همچون آیت‌الله شاه‌آبادی پرداخت. ایشان در دورانی که رضاخان تلاش می‌کرد با برگزاری امتحانات دولتی، حوزه‌های علمیه را تضعیف و روحانیت را منزوی کند، با هوشیاری به افشای اهداف پشت‌پرده رژیم پرداختند و در این ایام به تالیف مولفاتی در رد طاغوت مشغول شدند.

آغاز نهضت: از لوائیح ایالتی تا قیام ۱۵ خرداد

با رحلت آیت‌الله بروجردی، مرحله جدیدی از مبارزات امام آغاز شد. اعتراض شدید به لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در سال ۱۳۴۱، که در آن شرط مسلمان بودن و سوگند به قرآن حذف شده بود، نخستین رویارویی جدی ایشان با دولت وقت بود. امام در پیامی هشدار دادند که در راه دفاع از اسلام، از هیچ عاقبتی نمی‌هراسند.

پس از آن، شاه طرح «انقلاب سفید» را مطرح کرد که امام آن را مخالف شرع و قانون اساسی دانسته و تحریم کردند. حشियانه مأموران رژیم به مدرسه فیضیه در فروردین ۱۳۴۲، عزم امام را جزم‌تر کرد و ایشان در بیانیه‌ای تند، «شاه‌دوستی» را مترادف با «غارتگری» خواندند. اوج این مبارزات در سخنرانی تاریخی عاشورای ۱۳۴۲ تجلی یافت که منجر به بازداشت ایشان و قیام خونین ۱۵ خرداد گشت؛ واقعه‌ای که نقطه عطفی در تاریخ انقلاب محسوب می‌شود.

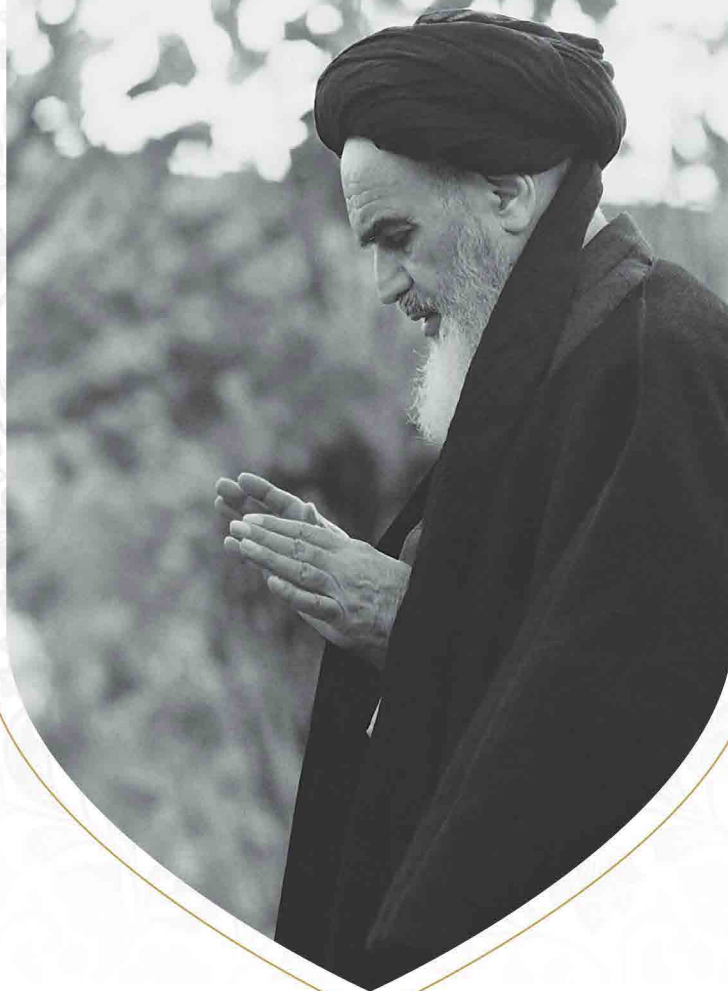
تبعید و تبیین نظریه حکومت اسلامی

اعتراض امام به لایحه ننگین کاپیتولاسیون در سال ۱۳۴۳، که مصونیت قضایی به مستشاران آمریکایی می‌بخشید، منجر به تبعید ایشان شد. ایشان ابتدا به ترکیه و سپس به نجف اشرف اعزام شدند. دوران تبعید سیزده‌ساله در نجف، فرصتی برای کادرسازی و تبیین تئوریک نظام جایگزین فراهم آورد.

امام در این سال‌ها با وجود کارشکنی‌های عناصر مغرض، دروس خارج فقه خود را دایر کردند که به دلیل غنای علمی، به یکی از برجسته‌ترین حوزه‌های درسی نجف تبدیل شد. ایشان در همین دوران، سلسله درس‌های «ولایت فقیه» را آغاز کردند که چارچوب فکری و عملی حکومت اسلامی را برای پیروان نهضت ترسیم می‌کرد. همزمان، ایشان از مسائل جهان اسلام غافل نبودند و فتوای تاریخی خود مبنی بر حرمت رابطه با اسرائیل و لزوم حمایت از مجاهدین فلسطینی را صادر کردند.

اوج‌گیری انقلاب و هجرت به پاریس

شهادت مشکوک حاج آقا مصطفی خمینی در سال ۱۳۵۶، که امام آن را از «الطاف خفیه الهی» نامیدند، موج جدیدی از اعتراضات را در ایران کلید زد. انتشار مقاله توهین‌آمیز علیه امام در روزنامه اطلاعات، به قیام ۱۹ دی قم و سلسله چهل‌های پیاپی در شهرهای مختلف منجر شد که پایه‌های رژیم را لرزاند.



با فشار رژیم شاه، دولت عراق محدودیت‌هایی برای فعالیت‌های امام ایجاد کرد که منجر به هجرت ایشان به پاریس (نوفل‌لوشاتو) در مهرماه ۱۳۵۷ شد. پاریس به مرکز خبری جهان تبدیل شد و پیام‌های امام از آنجا به قلب ایران و اقصی نقاط دنیا می‌رسید. سرانجام در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، امام در میان استقبال بی‌نظیر میلیونی مردم به وطن بازگشتند.

پیروزی و استقرار نظام جمهوری اسلامی

با فرمان امام مبنی بر شکستن حکومت نظامی در ۲۱ بهمن و سقوط مراکز نظامی و انتظامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، انقلاب به پیروزی نهایی رسید. امام از همان ابتدا بر تعیین نوع حکومت توسط مردم تأکید داشتند و به همین دلیل رفراندوم تعیین نظام در فروردین ۱۳۵۸ برگزار شد که با رأی ۹۸٫۲ درصدی مردم به جمهوری اسلامی انجامید. سال‌های اولیه انقلاب با چالش‌های بزرگی چون تسخیر لانه جاسوسی آمریکا (که امام آن را انقلاب دوم نامیدند)، مقابله با جریان‌های انحرافی مانند بنی‌صدر، و ترورهای خونین شخصیت‌های برجسته نظام همراه بود. در تمامی این بحران‌ها، رهبری قاطع و آگاهی‌بخش امام، کشتی انقلاب را از تلاطم‌ها عبور داد.

دوران دفاع مقدس و میراث ماندگار

با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سال ۱۳۵۹، امام خمینی با نگاهی تکلیف‌مدارانه، مردم را به مقاومت دعوت کردند. ایشان در طول هشت سال جنگ، با مدیریت معنوی و نظامی خود، مانع از جدا شدن حتی یک وجب از خاک کشور شدند. تأکید ایشان بر خودکفایی صنایع دفاعی و تکیه بر توان داخلی، ایران را به قدرتی تبدیل کرد که پشتوانه مستضعفان جهان گشت.

امام خمینی (ره) پس از سال‌ها مجاهدت و رهبری امت، سرانجام به ملکوت اعلی پیوستند. میراث ایشان، نه تنها یک نظام سیاسی جدید، بلکه روحیه خودباوری و ایستادگی در برابر ظلم بود که فراتر از مرزهای ایران طنین‌انداز شد.

حضرت آیت الله امام شهید سید علی خامنه‌ای (ره)، فرزند حجت الاسلام والمسلمین حاج سید جواد حسینی خامنه‌ای، در روز ۲۹ فروردین ماه ۱۳۱۸ برابر با ۲۸ صفر ۱۳۵۸ ق، در مشهد مقدس چشم به دنیا گشود. ایشان دومین پسر خانواده هستند. زندگی سید جواد خامنه‌ای مانند بیشتر روحانیون و مدرسان علوم دینی، بسیار ساده بود. همسر و فرزندانش نیز معنای عمیق قناعت و ساده زیستی را از او یاد گرفته بودند و با آن خو داشتند.

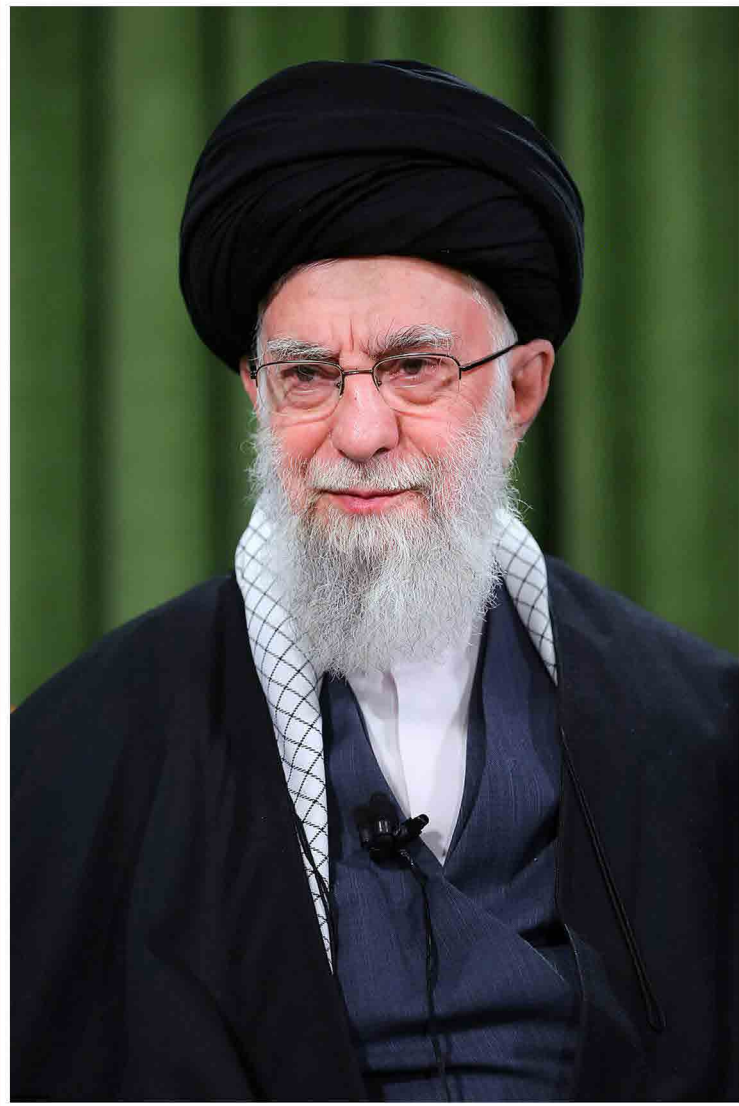
رهبر بزرگوار در ضمن بیان نخستین خاطره‌های زندگی خود از وضع و حال زندگی خانواده‌شان چنین می‌گویند: «پدرم روحانی معروفی بود، اما خیلی پارسا و گوشه‌گیر... زندگی ما به سختی می‌گذشت. من یادم هست شب‌هایی اتفاق می‌افتاد که در منزل ما شام نبود! مادرم با زحمت برای ما شام تهیه می‌کرد و... آن شام هم نان و کشمش بود».

در حوزه علمیه

ایشان پس از آشنایی با جامع‌المقدمات و صرف و نحو در دبیرستان، وارد حوزه علمیه شدند و نزد پدر و دیگر اساتید وقت ادبیات و مقدمات را خواندند. در باره انگیزه ورود به حوزه علمیه و انتخاب راه روحانیت می‌گویند:

«عامل و موجب اصلی در انتخاب این راه نورانی روحانیت، پدرم بودند و مادرم نیز علاقه‌مند و مشوق بودند».

ایشان کتب ادبی از قبیل «جامع‌المقدمات»، «سیوطی»، «مغنی» را نزد مدرسان مدرسه «سلیمان خان» و «نواب» خواندند و



اما خانه‌ای را که خانواده سید جواد در آن زندگی می‌کردند، رهبر انقلاب چنین توصیف می‌کنند:

«منزل پدری من که در آن متولد شده‌ام تا چهار پنج سالگی من یک خانه ۶۰ الی ۷۰ متری در محله فقیرنشین مشهد بود که فقط یک اتاق داشت و یک زیرزمین تاریک و خفه‌ای! هنگامی که برای پدرم میهمان می‌آمد (و معمولاً پدر بنا بر اینکه روحانی و محل مراجعه مردم بود، میهمان داشت) همه ما باید به زیرزمین می‌رفتیم تا مهمان برود. بعد عده‌ای که به پدر ارادتی داشتند، زمین کوچکی را کنار این منزل

خریده به آن اضافه کردند و ما دارای سه اتاق شدیم».

رهبر انقلاب از دوران کودکی در خانواده‌ای فقیر، اما روحانی و روحانی‌پرور و پاک و صمیمی، این‌گونه پرورش یافت و از چهار سالگی به همراه برادر بزرگش، سید محمد به مکتب سپرده شد تا الفبا و قرآن را یاد بگیرند. سپس، دو برادر دوران تحصیل ابتدایی را در مدرسه تازه‌تأسیس اسلامی «دارالتعلیم دیانتی» گذراندند.

پدرش نیز بر درس فرزندانش نظارت می‌کردند.

کتاب «معالم» را نیز در همان دوره خواندند. سپس «شرایع الإسلام» و «شرح لمعه» را در محضر پدرش و مقداری را نزد مرحوم آقا میرزا مدرس یزدی و «رسائل» و «مکاسب» را در حضور مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و بقیه دروس سطح فقه و اصول را نزد پدرش خواندند و دوره مقدمات و سطح را به‌طور کم‌سابقه و شگفت‌انگیزی در پنج سال و نیم به اتمام رساندند.

پدرشان مرحوم سید جواد در تمام این مراحل نقش مهمی در پیشرفت این فرزند برومند داشتند. رهبر بزرگوار انقلاب، در زمینه منطق و فلسفه، کتاب «منظومه» سبزواری را ابتدا نزد «مرحوم آیت‌الله میرزا جوادآقا تهرانی» و بعدها نزد مرحوم «شیخ رضا ایسی» خواندند.



در حوزه علمیه نجف اشرف

امام شهید که از هیجده سالگی در مشهد، درس خارج فقه و اصول را نزد مرجع بزرگ، مرحوم آیت‌الله العظمی میلانی شروع کرده بودند، در سال ۱۳۳۶ به قصد زیارت عتبات عالیات، عازم نجف اشرف شدند و با شرکت در درس‌های خارج مجتهدان بزرگ حوزه نجف، از جمله مرحوم سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی، میرزا باقر زنجان، سید یحیی یزدی و میرزا حسن بجنوردی، اوضاع درس و تدریس و تحقیق آن حوزه علمیه را پسندیدند و قصد اقامت در آنجا نمودند، ولی پدر موافقت نفرمودند؛ لذا پس از مدتی، به مشهد بازگشتند.

در حوزه علمیه قم

امام شهید از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۳ در حوزه علمیه قم به تحصیلات عالی در فقه و اصول و فلسفه، مشغول شدند و از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی، امام خمینی، شیخ مرتضی حائری یزدی و علامه طباطبائی استفاده کردند. در سال ۱۳۴۳، برای مواظبت از پدر که یک چشمشان بر اثر «آب مروارید» نابینا شده بود، به مشهد هجرت کردند؛

خود در این باره فرموده‌اند: «به مشهد رفتیم و خدای متعال توفیقات زیادی به ما داد. به هر حال، به دنبال کار و وظیفه خود رفتیم. اگر بنده در زندگی توفیقی داشتیم، اعتقاد این است که ناشی از همان بری است که به پدر، بلکه به پدر و مادر انجام داده‌ام».

ایشان در مشهد از ادامه درس دست‌برداشتند و جزایم تعطیل یا مبارزه و زندان و مسافرت، به طور رسمی تحصیلات فقهی و اصولی خود را تا سال ۱۳۴۷ در محضر اساتید بزرگ حوزه مشهد، به‌ویژه آیت‌الله میلانی ادامه دادند. همچنین از سال ۱۳۴۳ که در مشهد ماندگار شدند، در کنار تحصیل و مراقبت از پدر پیر و بیمار، به تدریس کتب فقه و اصول و معارف دینی به طلاب جوان و دانشجویان نیز می‌پرداختند.

تألیف و تحقیق

- ۱ طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن؛
- ۲ از ژرفای نماز؛
- ۳ گفتاری در باب صبر؛
- ۴ چهار کتاب اصلی علم رجال؛
- ۵ ولایت؛
- ۶ گزارش از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد؛
- ۷ زندگی‌نامه ائمه تشیع (چاپ‌نشده)؛
- ۸ پیشوای صادق؛
- ۹ وحدت و تحزب؛
- ۱۰ هنر از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای؛
- ۱۱ درست فهمیدن دین؛
- ۱۲ عنصر مبارزه در زندگی ائمه(ع)؛
- ۱۳ روح توحید، نفی عبودیت غیر خدا؛
- ۱۴ ضرورت بازگشت به قرآن؛
- ۱۵ سیره امام سجاد(ع)؛
- ۱۶ امام رضا(ع) و ولایتعهدی؛
- ۱۷ تهاجم فرهنگی (تدوین‌شده از سخنان و پیام‌های معظم‌له)؛
- ۱۸ حدیث ولایت (مجموعه پیام‌ها و سخنان ایشان که تاکنون ۹ جلد آن چاپ شده است).

۱ صلح امام حسن (ع)، تألیف راضی آل یاسین؛

۲ آینده در قلمرو اسلام، تألیف سید قطب؛

۳ مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان، تألیف عبدالمنعم نمری نصری؛

۴ ادعاینامه علیه تمدن غرب، تألیف سید قطب.

مبارزات سیاسی

امام شهید به گفته خویش: «از شاگردان فقهی، اصولی، سیاسی و انقلابی امام خمینی (ره) هستند». اما نخستین جرقه‌های سیاسی و مبارزاتی و دشمنی با طاغوت را مجاهد بزرگ و شهید راه اسلام، شهید سید مجتبی نواب صفوی در ذهن ایشان زده است. هنگامی که نواب صفوی با عده‌ای از فدائیان اسلام در سال ۳۱ به مشهد رفته، در مدرسه سلیمان‌خان، سخنرانی پر هیجان و بیدارکننده‌ای در موضوع احیای اسلام و حاکمیت احکام الهی و فریب و نیرنگ شاه و انگلیس و دروغگویی آنان به ملت ایران، ایراد کردند.

آیت‌الله خامنه‌ای که آن روز، از طلاب جوان مدرسه سلیمان خان بودند، به شدت تحت تأثیر سخنان آتشین نواب واقع شدند. ایشان می‌گویند: «همان وقت جرقه‌های انگیزش انقلاب اسلامی به وسیله نواب صفوی در من به وجود آمده و هیچ شکی ندارم که اولین آتش را مرحوم نواب در دل ما روشن کرد»

همراه با نهضت امام خمینی (ره)

آیت‌الله خامنه‌ای از سال ۱۳۴۱ که در قم حضور داشتند و حرکت انقلابی و اعتراض‌آمیز امام خمینی علیه سیاست‌های ضد اسلامی و آمریکاپسند محمدرضا شاه پهلوی، آغاز شد، وارد میدان مبارزات سیاسی شدند و شانزده سال تمام با وجود فراز و نشیب‌های فراوان و شکنجه‌ها و تبعیدها و زندان‌ها مبارزه کردند و در این مسیر از هیچ خطری نترسیدند. نخستین بار از سوی امام خمینی (قدس سره) مأموریت یافتند که پیام ایشان را به آیت‌الله میلانی و علمای خراسان در خصوص چگونگی برنامه‌های تبلیغاتی روحانیون در ماه محرم و افشاگری علیه سیاست‌های آمریکایی شاه و اوضاع ایران و حوادث قم، برسانند. ایشان این مأموریت را انجام دادند و خود نیز برای تبلیغ، عازم شهر بیرجند شدند و در راستای پیام امام خمینی، به تبلیغ و افشاگری علیه رژیم پهلوی و آمریکا پرداختند.

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، پیش از بازگشت امام خمینی (قدس سره) از پاریس به تهران، از سوی ایشان، «شورای انقلاب اسلامی» با شرکت افراد و شخصیت‌های مبارزی همچون شهید مطهری، شهید بهشتی، هاشمی رفسنجانی و... در ایران تشکیل گردید؛ آیت‌الله خامنه‌ای نیز به فرمان امام بزرگوار، به عضویت این شورا درآمد.

پیام امام توسط شهید مطهری «ره» به ایشان ابلاغ گردید و با دریافت پیام رهبر کبیر انقلاب، از مشهد به تهران آمدند.

پس از پیروزی

امام شهید پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همچنان پرشور و پرتلاش به فعالیت‌های ارزشمند خویش در جهت تحکیم اهداف انقلاب اسلامی ادامه دادند و در این راستا مسئولیت‌های بزرگی را عهده‌دار شدند از قبیل:

پایه‌گذاری «حزب جمهوری اسلامی» با همکاری و همفکری تعدادی از علمای مبارز همچون شهید بهشتی، شهید باهنر، هاشمی رفسنجانی و... در اسفند ۱۳۵۷.

امام جمعه تهران، ۱۳۵۸.

- نماینده امام خمینی «قدس سره» در شورای عالی دفاع، ۱۳۵۹. نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۸. حضور فعال و مخلصانه با لباس رزم در جبهه‌های دفاع مقدس، در سال ۱۳۵۹ با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران.

ریاست جمهوری (به دنبال شهادت محمدعلی رجایی، دومین رئیس جمهور ایران، آیت‌الله خامنه‌ای در مهرماه ۱۳۶۰ با کسب بیش از شانزده میلیون رأی مردمی و حکم تنفیذ امام خمینی (قدس سره) به مقام ریاست جمهوری ایران اسلامی برگزیده شدند. همچنین از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸ برای دومین بار به این مقام و مسئولیت انتخاب گردیدند).

ریاست شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۰.

رهبری و ولایت امت، که از سال ۱۳۶۸، روز چهاردهم خرداد پس از رحلت رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی (قدس سره)، توسط مجلس خبرگان رهبری به این مقام والا و مسئولیت عظیم انتخاب شدند و چه انتخاب مبارک و درستی بود که پس از رحلت امام راحل، با شایستگی تمام توانستند امت مسلمان ایران، بلکه مسلمانان جهان را رهبری نمایند.

پس از رحلت امام راحل، مجلس خبرگان با انتخابی مبارک، ایشان را به مقام والای رهبری برگزید؛ انتخابی که به تعهد ایشان به حفظ میراث امام (ره) و تداوم مسیر تمدن اسلامی مشروعیت بخشید. ابوالحسن بنی‌صدر، اولین رئیس‌جمهور عزل شده ایران، در اعترافی مهم بیان داشت: «اگر امام خمینی زنده بود، صدها بار به آقای خامنه‌ای احسنت می‌گفت؛ چرا که او به خوبی توانست نظامی که امام ایجاد کرده بود را حفظ کند». امروزه تحقیقاً می‌توان گفت در دنیا هیچ رهبری و هیچ شخصیت اولی در کشورهای دیگر نظیر ایشان وجود ندارد که جامع ابعاد مختلف معنوی، علمی، سیاسی و مدیریتی باشد و با درایت و دوراندیشی بیش از سه دهه رهبری کشوری را که همه دنیا در مقام مخاصمه با آن برخاسته‌اند، بر عهده بگیرد.

بازتاب جهانی و حوزوی یک رهبری

عظمت شخصیت معنوی و سیاسی ایشان چنان بود که بزرگ‌ترین سیاستمداران جهان را به حیرت واداشت. سید حسن نصرالله ایشان را شخصیتی عظیم و استثنایی می‌داند که حتی در میان امت خود نیز مظلوم واقع شده است. ولادیمیر پوتین پس از دیدار با ایشان گفت: «من مسیح را ندیده‌ام، اما او را در رهبری ایران دیدم» و ایشان را حکیمی بزرگ و همه‌جانبه‌نگر توصیف کرد. کوفی عنان، دبیرکل سابق سازمان ملل، نیز اذعان داشت که شخصیت معنوی ایشان چنان تأثیری بر او گذاشت که سایر چهره‌های کاریزماتیک سیاسی را از یاد برد و حتی آرزو کرد ایشان در جایگاه دبیرکل سازمان ملل قرار داشتند. همچنین خاویر پرز دکوئیار ایشان را هوشمندترین سیاستمداری دانست که در طول فعالیت خود دیده است. در همین راستا، کاندولیزا رایس اعتراف کرد که رهبر ایران قادر است نقشه‌های پیچیده را تنها با یک سخنرانی خنثی کند. دیلیپ داروا نیز ایشان را شخصیتی مسلط به مسائل روز و مؤثر در پیشرفت اقتصادی و صنعتی ایران معرفی کرد. در میان عالمان دینی نیز تعبیر بلندی درباره ایشان بیان شده است. آیت‌الله بهجت ایشان را برترین فرد برای این جایگاه دانسته و بر ارتباط معنوی ویژه ایشان تأکید کرده است. آیت‌الله فاضل لنکرانی، با اشاره به توان علمی و فقهی ایشان، وی را فقیهی صاحب‌نظر و برخوردار از درک عمیق سیاسی معرفی می‌کند و تبعیت از جایگاه رهبری را ضروری می‌داند. آیت‌الله صافی گلپایگانی نیز

تقویت ایشان را تقویت نظام دانسته و از نقش راهبری ایشان در عبور از بحران‌ها سخن می‌گوید. آیت‌الله علوی گرگانی شخصیت ایشان را روشن و تثبیت‌شده توصیف کرده و مدیریت کشور را حاصل هوش و تدبیر الهی می‌داند. آیت‌الله مکارم شیرازی بر لزوم حفظ حرمت رهبری و تبعیت از احکام حکومتی تأکید دارد. آیت‌الله نوری همدانی ایشان را دارای ویژگی‌هایی چون شجاعت، تدبیر و زمان‌شناسی دانسته و استمرار مسیر انقلاب را مرهون رهبری ایشان می‌داند.

آیت‌الله وحید خراسانی نیز با ابراز ارادت کامل، اداره کشور را در شرایط کنونی وابسته به چنین رهبری می‌داند. آیت‌الله سیستانی حفظ آبروی اسلام را مرتبط با جایگاه ایشان دانسته و بر اهمیت این موقعیت تأکید کرده است. آیت‌الله جوادی آملی رهبری را فراتر از یک مقام اداری و در جایگاه هدایت جامعه معرفی می‌کند. آیت‌الله سبحانی نیز ایشان را شخصیتی جامع، دلسوز و آگاه به مصالح اسلام و نظام می‌داند. آیت‌الله شبیری زنجانی تضعیف رهبری را نادرست می‌شمارد و آیت‌الله مصباح یزدی نیز بر جامعیت کم‌نظیر ایشان در میان شخصیت‌های تاریخی تأکید می‌کند.

مجموع این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که این جایگاه، از منظر سیاسی و دینی، مورد توجه و تأکید طیف گسترده‌ای از شخصیت‌های داخلی و بین‌المللی قرار گرفته است.

اقتدار در نبرد و زندگی زاهدانه در برابر هجمه‌ها

شجاعت و درایت معظم‌له در مقاطع حساس نظامی، محاسبات استکبار را بارها برهم زده است. به‌ویژه در مقاطع حساس نظامی و جنگ‌های تحمیلی به‌ویژه در جنگ دوازده روزه، درایت ایشان نقشی بی‌بدیل در شکست دشمن ایفا کرد و سرنوشت نبردها را به نفع جبهه حق تغییر داد. ایشان همواره بر عهد خود پایبند بودند که برای اعتلای پرچم جبهه حق با تمام وجود تلاش کنند. در مقابل، دشمن با بیان هر گونه تهمت و دروغ، از دارایی‌های کلان تا شایعات درباره خانواده، سعی در تخریب ایشان داشته است؛ اما زندگی زاهدانه و تدبیرهای حکیمانه ایشان، خود بهترین جواب بر این نقشه‌های شوم بوده است.

سرانجام، این شخصیت سترگ و رهبر بصیر که تمام عمر خود را وقف مقابله با استکبار و احیای عزت امت اسلامی کرده بود، به آرزوی دیرینه خود یعنی فیض عظیم شهادت نائل آمد. امام شهید، در پی حمله مشترک جنایتکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی به شهادت رسیدند. شهادت ایشان، سندی جاودانه بر مظلومیت و در عین حال اقتدار نظام جمهوری اسلامی و خط روشن مقاومت در سراسر جهان باقی خواهد ماند. این عروج ملکوتی نشان داد که همیشه می‌توان حق را در جایی جستجو کرد که عقربه قطب‌نمای دشمن آن را نشانه گرفته است.



شخصیت‌شناسی آیت‌الله امام سیدمجتبی خامنه‌ای حفظه الله برگرفته از پیام‌های ایشان

۱. تبار و مراحل اولیه زندگی

آیت‌الله امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای مدظله‌العالی، متولد سال ۱۳۴۸ در مشهد، در خانواده‌ای امام خامنه‌ای شهید رشد نمود. دوران نوجوانی او با ترکیبی از تحصیل علوم دینی، فعالیت‌های فرهنگی و حضور در فضای دفاع مقدس سپری شد. بخشی از دوره‌های مقدماتی را در تهران گذراند و در سال‌های پایانی جنگ ایران و عراق در چند مأموریت مرتبط با عملیات‌های شناسایی شرکت داشت که به‌عنوان تجربه‌هایی مؤثر در شکل‌گیری شخصیت و روحیات مدیریتی او شناخته می‌شود.

۲. مسیر تحصیلی و استادان

پیشینیان، تلاش می‌نمایند تا پیوندهای درونی و تفاوت‌های مبنایی آنها روشن کنند و از این شناخت برای صورت‌بندی نگاه جدید بهره گیرند.

توجه به فضای صدور نصوص

ایشان در فهم روایات، بر مطالعه شرایط تاریخی، فرهنگی و اجتماعی دوران صدور تأکید می‌نمایند. شناخت ارتکازات و فهم عمومی مخاطبان عصر صدور بخشی از روش فهم متن محسوب می‌گردد و به درک دقیق‌تر پیام کمک می‌کند.

۴. جایگاه علمی در تدریس

برای سال‌ها، درس خارج فقه و اصول آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای مدظله‌العالی در قم و تهران برگزار شده و شمار قابل‌توجهی از طلاب در این جلسات حضور داشتند. استمرار درس‌ها، انسجام موضوعات و پیگیری مباحث در دوره‌های مختلف از ویژگی‌های این حلقه‌های آموزشی ایشان بوده است. در سال‌های اخیر، تدریس به دلایل شخصی و دغدغه‌های اخلاقی متوقف شد و شاگردان به استفاده از درس استادان دیگر توصیه شدند.

۵. نگاه نهادی و دغدغه‌های مربوط به حوزه علمیه

آیت‌الله امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای مدظله‌العالی با نگاهی ژرف به آینده حوزه‌های علمیه، ارتقای سطح «فقاہت» را به عنوان زیربنای اندیشه اسلامی در اولویت قرار داده‌اند. ایشان از طریق حمایت از تأسیس مدارس فقهی و مراکز پژوهشی انقلابی، به دنبال بازتعریف هویت طلبه تراز هستند؛ نسلی که در آن «بنیه علمی مستحکم» با «دغدغه‌مندی اجتماعی» گره خورده باشد. هدف نهایی ایشان تربیت فضایی است که علاوه بر تسلط بر فنون اجتهاد، با روحیه خدمت به محرومان، در متن جامعه حضور یابند.

۶. آشنایی ایشان با مسائل حکمرانی

در طول سال‌ها، ارتباطات ایشان با برخی سطوح تصمیم‌سازی برقرار بوده و حوزه‌هایی مانند اقتصاد، فناوری‌های نوین، مسکن، کشاورزی و روندهای مدیریتی آینده مورد توجه ایشان قرار گرفته است. این ارتباط‌ها زمینه‌ای برای شناخت دقیق‌تر مسائل کلان کشور رهبری سوم انقلاب، فراهم کرده است.

ایشان در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شد و تحصیلات خود را در سطوح عالی فقه و اصول ادامه داد. طی سال‌ها در درس خارج استادان مختلف، حاضر شدند و تقریراتی از مباحث علمی نگاشت و در جلسات گفت‌وگو و مباحثه شرکت کرد. این فرایند طولانی به تدریج چارچوب‌های اصولی و فقهی او را شکل داد.

۳. ویژگی‌های مکتب علمی و نوآوری‌ها آیت‌الله امام سیدمجتبی خامنه‌ای مدظله‌العالی

مکتب علمی امام سیدمجتبی خامنه‌ای مدظله‌العالی بر مجموعه‌ای از اصول روشن و سامان‌مند استوار است. در این شیوه، پایبندی به مبانی اجتهادی، دقت در تحلیل‌های فقهی و اهتمام به استدلال‌های منسجم جایگاهی محوری دارد. هم‌زمان، تلاش برای روزآمدسازی مباحث و ایجاد پیوند میان سنت اجتهاد و نیازهای نوپدید جامعه، از ویژگی‌های برجسته این رویکرد به شمار می‌آید. توجه به عمق بخشی معرفتی، پرهیز از ساده‌سازی مسائل پیچیده و جست‌وجوی راه‌حل‌های قابل‌کاربست، از دیگر محورهایی است که ساختار این مکتب علمی را شکل می‌دهد؛ در ادامه به مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌گیری مکتب فکری ایشان اشاره می‌شود.

نظم و انسجام

روش استدلالی او بر مجموعه‌ای از مبانی مشخص و هماهنگ مبتنی است. ایشان تلاش می‌کنند که زنجیره مباحث فقهی و اصولی به‌گونه‌ای تنظیم نمایند که هر بخش جایگاهی روشن در ساختار کلان داشته باشد. این انسجام هم در محور طولی مباحث و هم در ارتباط عرضی آنها رعایت می‌شود.

نوآوری‌های اصولی و فقهی

در برخی موضوعات بنیادین مانند حقیقت حکم، مراتب حکم، امکان تعدد حکم و فرآیند تبدیل معارف حدیثی به ساختارهای اجتهادی، تحلیل‌هایی متفاوت از مشهور توسط ایشان ارائه شده است. این رویکرد بر دقت در مفاهیم پایه و بازخوانی مبانی نخستین ایشان تأکید دارد.

آشنایی با مکاتب اصولی و فقهی گذشته

آشنایی گسترده آیت‌الله امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای مدظله‌العالی با دیدگاه‌های اصولیان و فقهای پیشین، از ویژگی‌های فعالیت علمی ایشان به‌شمار می‌آید. در بررسی آثار و نظریات

۷. ارتباط با جریان مقاومت و سلوک فردی

ارتباط نزدیک و مستمر ایشان با فرماندهان نظامی و چهره‌های شاخص جبهه مقاومت، از جمله شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید سیدحسن نصرالله، از وجوه برجسته فعالیت‌های ایشان به شمار می‌آید. این تعاملات، که در بستر همکاری‌های منطقه‌ای و فرامرزی شکل گرفته، نشان‌دهنده اهتمام به استمرار رویکردی است که در ادبیات سیاسی از آن با عنوان «خط مقاومت» یاد می‌شود. حضور در چنین شبکه‌ای از روابط، جایگاه ایشان را در معادلات منطقه‌ای برجسته ساخته و نام او را در کنار بازیگران اثرگذار این عرصه قرار داده است.

۸. توجه به جامعه اهل سنت و اعتقاد به گفتمان وحدت جهان اسلام

آیت‌الله امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای مدظله‌العالی از جمله شخصیت‌های است که در اندیشه و عمل، توجه ویژه‌ای به جامعه اهل سنت و ضرورت گفتمان وحدت جهان اسلام دارد. ایشان همواره بر احترام متقابل میان مذاهب اسلامی، پرهیز از تعصب‌های تفرقه‌افکن و تقویت مشترکات اعتقادی، فقهی و اخلاقی تأکید کرده است. از نگاه ایشان، اهل سنت بخش جدایی‌ناپذیر پیکره امت اسلام هستند و تعامل علمی، فرهنگی و اجتماعی با آنان می‌تواند به تقویت ثبات، امنیت و پیشرفت جوامع اسلامی بینجامد. وی گفتمان وحدت را نه یک شعار سیاسی، بلکه یک ضرورت دینی و راهبردی می‌داند که می‌تواند زمینه‌ساز همدلی، همکاری و عزت جهان اسلام در عرصه بین‌المللی شود؛ چنان‌چه پیام‌های اخیر ایشان درباره قدردانی از جامعه اهل سنت در حمایت از جمهوری اسلامی ایران، نماینگر باور ایشان به ضرورت توجه به جامعه اهل سنت و رویکرد وحدت در جهان اسلام دارد.

۹. سلوک معنوی و اخلاقی آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای مدظله‌العالی

در عرصه معنوی، ایشان از سال‌های جوانی با چهره‌های برجسته عرفان و اخلاق همچون آیات بهاءالدینی، بهجت و کشمیری مأنوس بوده و از محضر آنان بهره‌های روحی فراوان برده‌اند. این ارتباط مستمر، زمینه‌ساز شکل‌گیری بنیانی معنوی در شخصیت ایشان شده است؛ بنیانی که در خلق و خو، رفتار و منش فردی او بازتابی روشن دارد. سلوک ساده‌زیستانه، تواضع در گفتار و رفتار، بی‌اعتنایی به جلوه‌های ظاهری شهرت و نیز گرایش به زهد، از ثمرات همین تربیت باطنی است. مجموعه

این ویژگی‌ها در کنار انضباط شخصی و جدیت در عمل، تصویری از شخصیتی ارائه می‌کند که در عین آرامش و فروتنی، از استحکام درونی و اقتدار رفتاری نیز برخوردار است؛ اقتداری که ریشه‌های آن نه در جلوه‌گری ظاهری، بلکه در پرورش معنوی و تهذیب نفس قرار دارد.

آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای مدظله‌العالی، تبلور جمع میان «اصالت حوزوی» و «نگاه مدرن به حکمرانی» است. ایشان با هجرتی آگاهانه از کانون توجهات رسانه‌ای به سمت عمق بخشی علمی و بازنویسی مبانی فقهی، نشان دادند که پیش از هر چیز، دغدغه اعتلای کلمه حق و تقویت پایه‌های فکری نظام اسلامی را دارند.

۱۰. تجربه‌های دفاع مقدس

حضور آیت‌الله امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای مدظله‌العالی در جبهه‌های دفاع مقدس و مشارکت در چندین عملیات شناسایی، تنها یک سابقه نظامی قابل توجه محسوب نمی‌شود، بلکه جلوه‌ای از روحیه‌ای عمیق و ریشه‌دار در تعهد، اخلاص و مسئولیت‌پذیری است. عملیات‌های شناسایی از جمله حساس‌ترین و پرمخاطره‌ترین مأموریت‌های جنگی به شمار می‌آیند؛ مأموریت‌هایی که موفقیت بسیاری از عملیات‌های بزرگ به دقت و صحت اطلاعات به دست آمده از آن‌ها وابسته است. حضور در چنین عرصه‌ای مستلزم شجاعت، صبر، دقت و آمادگی برای پذیرش خطرات جدی است؛ آن هم در شرایطی که اغلب این تلاش‌ها دور از چشم عموم باقی می‌ماند و کمتر نامی از عاملان آن در فضای عمومی مطرح می‌شود.

۱۱. شبکه ارتباط با نخبگان

گسترده‌گی ارتباطات آیت‌الله امام سیدمجتبی خامنه‌ای مدظله‌العالی با بخش‌های مختلف نخبگان و ارکان گوناگون کشور را باید در چارچوب ادبیات و فرهنگ سیاسی انقلاب اسلامی فهم و تحلیل کرد. در این چارچوب، ارتباطات گسترده نه به معنای بهره‌برداری‌های شخصی یا شکل‌گیری شبکه‌های رانتی، بلکه ناظر به نوعی شبکه‌سازی اجتماعی و مدیریتی برای خدمت رسانی بهتر، ایجاد هماهنگی میان نهادها و تقویت هم‌افزایی در مسیر تحقق اهداف کلان نظام اسلامی است. چنین ارتباطاتی زمانی ارزشمند و مؤثر تلقی می‌شوند که در خدمت منافع عمومی، حل مسائل جامعه و تقویت انسجام ملی قرار گیرند.

۱. دکترین «جمهوریت حقیقی» و حاکمیت مردم

رهبر معظم انقلاب، حضور مردم را نه امری صوری، بلکه رکن رکن اقتدار نظام و ضامن تداوم مسیر می‌داند. امام آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای (حفظه‌الله) می‌فرمایند: «این شما مردم بودید که کشور را رهبری و اقتدار آن را ضمانت کردید. اگر قدرت شما در صحنه ظاهر نشود، نه رهبری و نه هیچ‌یک از دستگاه‌ها کارایی لازم را نخواهند داشت.»

در این چارچوب، جمهوریت به معنای فعلیت یافتن اراده مردم در متن حاکمیت تلقی می‌شود.

۲. تبیین «دفاع مقدس سوم» در برابر «جنگ تحمیلی سوم»

در نگاه رهبر معظم انقلاب، حوادث اخیر فصلی نوین در تاریخ معاصر است که با ایستادگی ملت، از تهدید به حماسه بدل گردیده است. امام آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای (حفظه‌الله) این دگرگونی را حاصل روحیه مجاهدت و بصیرت مردم دانسته و آن را تبدیل رنج به حماسه و سوگ به حماسه‌آفرینی تفسیر می‌کنند، و می‌فرمایند: «فرزندان غیور... جنگ تحمیلی سوم را به صحنه حماسه دفاع مقدس سوم تبدیل کرده‌اند؛ ملت آگاه ایران از این داغ، حماسه و از رثا، رجز ساخت.»

۳. استراتژی «وحدت ذوب‌کننده اختلافات»

رهبر معظم انقلاب، وحدت ملی را اکسیر عبور از تنگناها معرفی می‌نمایند و بر ضرورت تغافل حکیمانه از نقاط اختلاف تأکید دارند. از منظر امام آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای (حفظه‌الله)، انسجام اجتماعی زمانی محقق می‌شود که مشترکات بر افتراقات غلبه یابد و دل‌ها به یکدیگر نزدیک گردد. ایشان می‌فرمایند: «وحدت... با صرف نظر کردن از نقاط مورد اختلاف تحصیل خواهد شد و یخ‌های فیما بین اقشار مختلف ذوب می‌گردد.»

۴. دکترین انتقام و غرامت از متجاوز

در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب، صیانت از خون و کرامت ملت اقتضای پاسخی قاطع به هرگونه تعدی دارد. امام آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای (حفظه‌الله) این پاسخ را محدود به سطحی خاص ندانسته، بلکه آن را ناظر به حقوق همه آحاد ملت و همراه با مطالبه جبران خسارات می‌داند و می‌فرمایند: «هر عضوی از ملت که توسط دشمن شهید می‌شود، موضوع مستقلی برای پرونده انتقام است.»

در طول سال‌ها فعالیت علمی، اجتماعی و نخبگانی، آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای مدظله‌العالی توانسته است ارتباطاتی گسترده با طیف‌های مختلف نخبگان برقرار کند؛ ارتباطاتی که حوزه‌های متعددی از جمله علما و فضایی حوزه‌های علمیه، استادان و نخبگان دانشگاهی، فرماندهان و فعالان عرصه‌های نظامی و امنیتی، و همچنین مدیران و مسئولان اجرایی کشور را دربرمی‌گیرد. چنین دامنه‌ای از ارتباطات نشان دهنده توانایی بالای ایشان در برقراری تعامل سازنده با گروه‌های مختلف و ایجاد پیوند میان بخش‌های متنوع جامعه است؛ از سوی دیگر، ارتباط گسترده با اقشار و نخبگان مختلف جامعه، زمینه‌ای برای درک دقیق‌تر مسائل کشور و دریافت دیدگاه‌ها و دغدغه‌های متنوع فراهم می‌آورد. این امر می‌تواند به اتخاذ تصمیم‌های سنجیده‌تر و واقع‌بینانه‌تر در سطوح مختلف مدیریتی کمک کند و به تقویت اعتماد متقابل میان جامعه و مسئولان بینجامد.

مروری گذرا بر پیام‌های امام سیدمجتبی خامنه‌ای ^{حفظه‌الله}

در پایان و در ضمن یک تحلیل، پیام‌های راهبردی و محوری ایشان بر اساس منابع موجود، در ارکانی متمایز و با حفظ انسجام مفهومی چنین تبیین می‌گردد:



۵. مدیریت منطقه‌ای و نفی حضور بیگانه

رهبر معظم انقلاب، امنیت پایدار منطقه را در گرو خروج بیگانگان و استقرار مدیریت بومی ارزیابی می‌کنند. در این چارچوب، امام آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای (حفظه‌الله) بر نقش آفرینی مستقل در تأمین امنیت راهبردی و پایان بخشی به مداخلات خارجی تأکید دارند و می‌فرمایند: «حضور بیگانگان مهم‌ترین عامل ناامنی است... ایران با اعمال مدیریت بر تنگه هرمز، منطقه را ایمن خواهد کرد.»

۶. پیوند اقتصاد با امنیت ملی

در نگاه رهبر معظم انقلاب، اقتصاد صرفاً عرصه معیشت نیست، بلکه جبهه‌ای اساسی در مواجهه با دشمن محسوب می‌شود. امام آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای (حفظه‌الله) بر این باورند که تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و بهبود معیشت مردم، بخشی از منظومه دفاعی و پیشرفت کشور است. ایشان می‌فرمایند: «تأمین معیشت مردم... نوعی دفاع و بلکه پیشروی در مقابل جنگ اقتصادی است... اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی.»

۷. هم‌افزایی «علم و عمل»

رهبر معظم انقلاب، پیشرفت را در گرو پیوند میان دانش و کار تعریف می‌کنند. امام آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای (حفظه‌الله) نقش معلمان را در عرصه فرهنگ و کارگران را در میدان اقتصاد، به مثابه ارکان بنیادین حرکت جامعه به سوی تعالی می‌دانند و می‌فرمایند: «پیشرفت هر کشوری رهین دو بال علم و عمل است؛ معلمان در نبرد فرهنگی و کارگران در نبرد اقتصادی ستون فقرات جامعه‌اند.»

۸. صیانت از «پنجره مغز و قلب»

در عرصه رسانه، رهبر معظم انقلاب بر ضرورت هوشیاری و مراقبت از فضای ذهنی جامعه تأکید دارند. امام آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای (حفظه‌الله) مواجهه با جریان‌های رسانه‌ای را نیازمند دقت، احتیاط و نگاه نقادانه می‌دانند تا سلامت فکری جامعه حفظ گردد. ایشان می‌فرمایند: «مراقبت از گوش‌هایمان که پنجره مغز و قلب است... یا باید مواجهه را ترک کرد یا با سوءظن با آن برخورد نمود.»

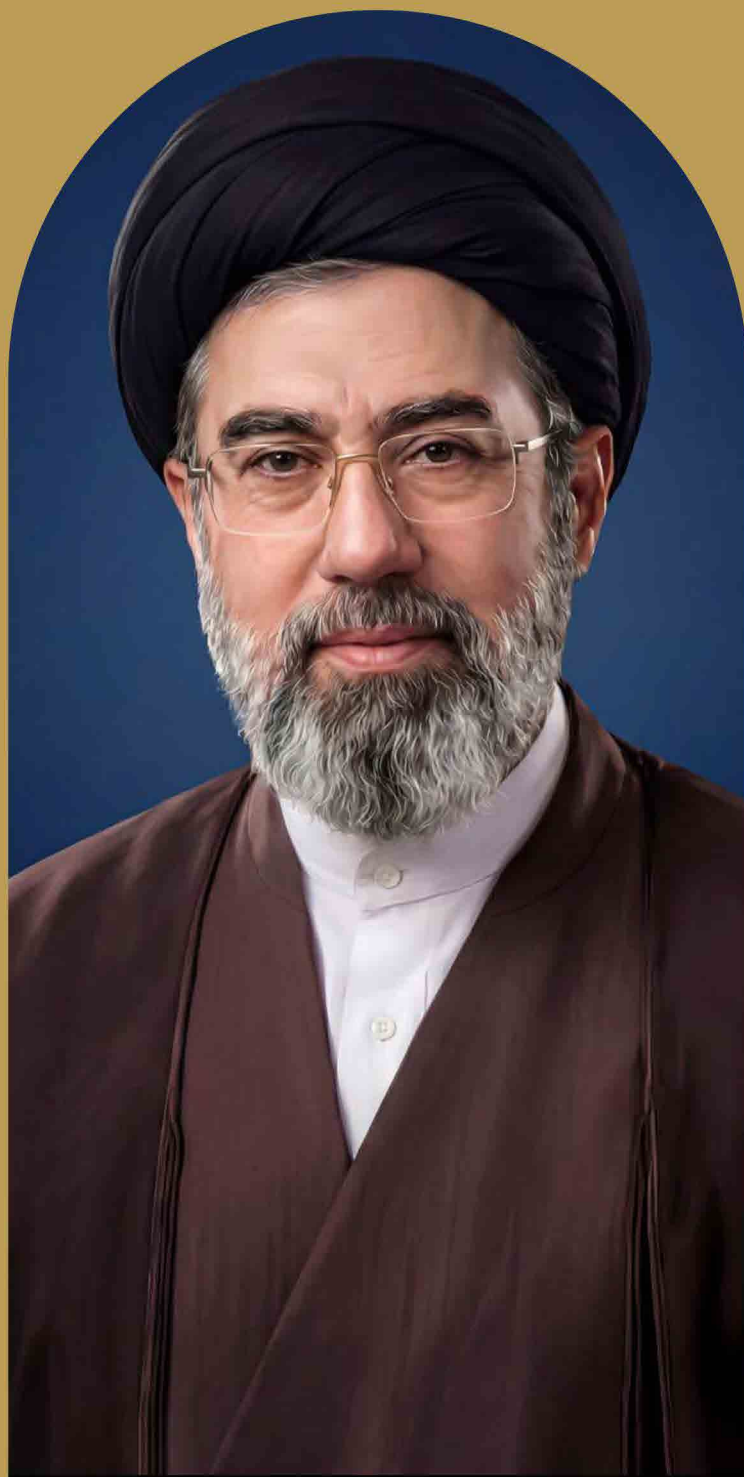
۹. تحول در هویت ارتش

رهبر معظم انقلاب، ارتش را نهادی برخاسته از متن ملت معرفی می‌کنند که هویت خود را در پیوند با مردم باز یافته است. از منظر آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، این نهاد در جایگاه حقیقی خود، پاسدار امنیت و عزت ملی است. ایشان می‌فرمایند: «ارتش فرزند ملت است و از دل خانه‌های مردم برمی‌آید و در آغوش ملت قرار دارد.»

۱۰. عهد بر اعتلای پرچم جبهه حق

رهبر معظم انقلاب، مسیر آینده را در وفاداری به آرمان‌ها و تلاش مستمر برای تحقق اهداف متعالی ترسیم می‌کنند. آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای این حرکت را عهدی مستحکم در جهت اعتلای ارزش‌ها و پیشبرد جبهه حق می‌دانند و می‌فرمایند: «برای اعتلای این پرچم که پرچم جبهه حق است، با تمام وجود تلاش خواهیم کرد.» در مجموع، این منظومه فکری بیانگر نگاهی جامع به مقوله‌هایی چون مردم‌باوری، وحدت، اقتدار راهبردی و پیشرفت همه‌جانبه است که در کلام و رویکرد رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) به صورت منسجم و هدفمند تجلی یافته است.





مُنَادِیانِ اَمّت

هفته نامه منادیان امت | ویژه نامه ۵۰ سال اقتدار در سایه سار رهبری | اردیبهشت ماه ۱۴۰۵

